



جبار آذین
منتقد سینما و تلویزیون:

نوآوری در سرگرمی یا چالش حفظ کیفیت هنری؟

به نظر شما ساختار ترکیبی رقابت و روایت پشت صحنه در «کارناوال» تا چه حد بیننده را درگیر می‌کند و آیا تعادل میان این دو برقرار است؟

هر اثر هنری از فرم و محتوا تشکیل شده و باید میان این دو وحدت و تعادلی وزین برقرار باشد. گرچه در ساختار ترکیبی برنامه «کارناوال» تلاش شده که رقابت و روایت به موازات یا در کنار یکدیگر در خدمت برنامه باشند، اما حاکمیت فرم و اجرا بر محتوا غالب است و ترکیب رقابت و روایت هنوز از قوت و انسجام لازم برخوردار نیست؛ گاهی یکی بر دیگری غلبه می‌کند. این نقص در استندآپ‌ها نمایان است و قضاوت برای تماشاگر را دشوار می‌کند. وحدت و تعادل میان اجراها و روایت‌ها در حد استاندارد و مقبول نیست و به طور کلی، فرم جلوه بیشتری نسبت به مضمون و محتوا دارد.

در برنامه «کارناوال»، چه معیارهایی باید برای سنجش کیفیت اثر یک شرکت‌کننده در نظر گرفته شود و آیا این معیارها رعایت شده‌اند؟

مضمون، موضوع، محتوا و پیام، همراه با اجرایی اصولی، هدفمند و هدایت درست اجرا، از معیارهای اصلی آثار اجرایی هستند؛ اما در «کارناوال» این معیارها به مرز یختگی و مطلوب نرسیده‌اند و آنچه تاکنون پخش شده، گواه این امر است.

«کارناوال» تا چه اندازه قادر است بر ذائقه طنز مخاطبان ایرانی اثر بگذارد و در شکل دهی جریان‌های تازه کمدی نقش ایفا کند؟ آیا ظرفیت عبور از سطح سرگرمی و تبدیل شدن به یک الگوی فرهنگی را دارد؟

به نظر می‌رسد «کارناوال» بیشتر در مسیر سرگرم‌سازی و هیجان‌سازی عمل کرده است تا تأثیر فرهنگی جدی داشته باشد. این برنامه می‌توانست با غنا بخشیدن به محتوا، فرهنگ نقد و در بخش گفت‌وگوی مستقیم میان مردم و هنرمند بهتر عمل کند و از منظر سازنده به امور فرهنگی و اجتماعی بپردازد، اما این هدف قربانی فرم سرگرم‌کنندگی و جذابیت برنامه شده است.

«کارناوال» تا چه حد نوآورانه است و چه ویژگی‌هایی آن را نسبت به رقابتهای شوها و برنامه‌های استعدادیابی پیشین متمایز می‌کند؟

به طور عمده، «کارناوال» در فرم، محتوا و تنوع توانسته به توفیق نسبی دست پیدا کند و نسبت به آثار مشابه، ویژگی‌های برجسته‌تری ارائه دهد.

اگر فصل دوم یا سوم از «کارناوال» تولید شود، چه تغییراتی باید اعمال شود تا برنامه جذابیت خود را حفظ کند و مخاطب کاهش نیابد؟

در فصل‌های بعد، برنامه باید به مضمونی همسو با فرم

خود دست یابد، حرفی برای گفتن داشته باشد و تنها به سرگرم‌سازی مخاطب و بازی با فرم محدود نشود.

چه عناصر و نوآوری‌هایی «کارناوال» را مفرح و جذاب کرده است؟

از نکات قابل توجه «کارناوال»، شیوه رأی‌گیری آن است که با مشارکت تماشاگران انجام می‌شود و دیگر نظرات داوران متخصص معیار قرار نمی‌گیرد. بخش دفاعی مسابقه که در آن صریح و بی‌پرده درباره آثار صحبت می‌شود، از امتیازهای مثبت برنامه است؛ البته به شرطی که با پرخاشگری و درگیری همراه نباشد. استفاده از تنوع با عناصر موسیقی، نمایش و رنگ و همچنین بهره‌گیری از یک عروسک، فضای «کارناوال» را از یکنواختی نجات داده و آن را مفرح کرده است. حضور کاراکتر عروسکی به نام «افتو»، شبیه دزدان دریایی، نیز جذابیت برنامه را مبد جوان را افزایش داده است.



محسن بیگ آقا
منتقد سینما و تلویزیون:

تمرکز اصلی کارناوال سرگرمی و جذب تماشاگر است

ارزیابی شما از شیوه تولید برنامه جدید رامبد جوان چیست و این پروژه را از نظر مقیاس، طراحی صحنه و رویکرد تولید چگونه می‌بینید؟

به نظرم یک تولید عظیم با به اصطلاح بیگ پروداکشن اتفاق افتاده که در حوزه برنامه‌سازی و سریال‌سازی مایک رخداد بسیار مهم محسوب می‌شود. این اتفاق، استفاده از یک محوطه بسیار بزرگ برای برنامه‌ای که در یک پلترم پخش می‌شود و در واقع یک مسابقه است. رامبد جوان سابقه انجام چنین کارهایی را دارد. او پیش‌تر هم در سوله‌هایی خارج از شهر برنامه می‌ساخت و آن زمان برخی از افراد به امکانات محدود خندوانه اعتراض می‌کردند. حالا او یک پروژه عظیم را اجرا کرده که در قالب یک سیرک و یک کارناوال طراحی شده؛ برنامه‌ای که محور اصلی‌اش یک مسابقه است و در اطراف آن بخش‌های جانبی مختلفی وجود دارد. در حال حاضر بخش اصلی برنامه مخاطب بیشتری دارد و بخش‌های دیگر، مانند بازی‌هایی که توسط دلقک‌ها یا اعضای سیرک اجرا می‌شود، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

شباهت بخش‌هایی از برنامه جدید به فضای «خندوانه» را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

گره‌ای که در برنامه حضور دارد از نظر بسیاری یادآور «جناب‌خان» در خندوانه است؛ چه از نظر طراحی و چه از نظر حال و هوا. حتی اصطلاحات خندوانه (مثل «بریم بیایم») دوباره توسط رامبد جوان استفاده می‌شود و او از مخاطبان می‌خواهد آن‌ها را تکرار کنند.

این مقیاس بزرگ تولید و هزینه‌کرد قابل توجه را چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

این حجم از کار و طراحی شنیده شده که به مسابقه‌دهندگان هم گفته شده نگران بودجه نباشند و می‌توانند طراحی‌های بسیار پیچیده ارائه بدهند. بسیاری از مسابقه‌دهندگان هم این کار را انجام داده‌اند و دکورهای عجیب با تعداد زیادی بازیگر روی صحنه آورده‌اند. این اتفاق باعث شده برنامه از نظر کثی و هزینه‌ای یک کار بسیار بزرگ و کم‌سابقه به حساب بیاید.

با توجه به تنوع ژانرها و حضور چهره‌های حرفه‌ای در حوزه‌های مختلف، ارزیابی کیفیت اجراها در مسابقه «کارناوال» را چقدر ممکن و منصفانه می‌دانید؟

وقتی درباره یک مسابقه صحبت می‌کنیم، سنجش کیفیت واقعا پیچیده است. به هر حال مسابقه‌دهندگان هر کاری انجام بدهند، همیشه گروهی منتقد وجود دارد. مثلاً عده‌ای به آقای سامان احتشامی اعتراض کرده‌اند که با آن شخصیت و توانایی‌هایش در آهنگ‌سازی و نوازندگی بیانو، چرا به جای اجرای قطعات کلاسیک، به سمت آهنگ‌های شش و هشت رفته است. او هم پاسخ داده که این موضوع ایرادی ندارد و پیش‌تر هم چنین تجربه‌هایی داشته است.

یا حضور محسن شریفیان (با آن پیشینه جدی و اعتبار جهانی در موسیقی و نی انبان) باعث شده برخی نسبت به کیفیت پایین‌تر بعضی اجراها یا حضور چهره‌هایی که شاید جایگاهی در این فضا نداشتند، اعتراض کنند. حتی فردی مثل روزبه حصاری، که کمدین و تئاتری خوبی است، در این برنامه به کارهای کمدی نه چندان برجسته روی آورده تا مخاطب را جذب کند.

نمونه دیگر امیرحسین رستمی است که فقط یک اجرای دو سه دقیقه‌ای داشته و توجهی به مخاطب نشان نداده و صرفاً تلاش کرده با استفاده از عروسک‌هایی که خواننده‌های خارج از کشور را تقلید می‌کنند، رأی جمع کند.

این مسئله مطرح شده که «چه باید کرد؟» اما در نهایت این یک شواست و نمی‌توان ایرادهای جدی به آن گرفت. در مجموع، روند جذب مخاطب باعث شده هرچه جلوتر می‌رویم، کسی مثل یک رپر بتواند مسابقه‌دهندگان را کنار بزند که از نظر شناخت هنری بسیار برجسته‌تر از او هستند.

ارزیابی شما از نقش تماشاگران به عنوان داور و میزان نظم و مدیریت بخش دفاعیه‌ها در «کارناوال» چیست؟

در این برنامه، داوران همان ۵۰۰ تماشاگر حاضر در سالن هستند. پیش‌تر اعلام نمی‌شد که برنامه در چه شرایطی ضبط می‌شود، اما حالا با افتخار گفته می‌شود که «نصف شب» یا «دم صبح» مشغول ضبط هستیم. در واقع نوعی بی‌برنامگی به شکل یک امتیاز بیان می‌شود؛ در حالی که طبیعی است کیفیت اجرای هنرمند در چنین ساعتی مشخصاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

چند بار از زبان تماشاگران شنیده شد که اگر خوابان نمی‌برد، شاید رأی دادن و دیدن اجراها خیلی سخت می‌شد. البته امکان رأی‌گیری الکترونیکی که فراهم شده مزایایی دارد؛ شفاف است، شمارش دستی ندارد و وضعیت آرا روشن است. اما در بخش دفاعیه‌ها دیدیم که

امیرحسین رستمی با وجود اجرای ضعیف، با ایجاد یک جو احساسی و جهت‌دهی به جمعیت، رأی‌ها را به سمت خود جذب کرد؛ تا جایی که خود «اجرا» کمتر اهمیت پیدا کرد و «دفاعیه» محور اصلی شد. به نظر من دفاعیه‌ها بسیار بی‌نظم بود. هر چه برنامه جلورفت کمی بهتر شد، اما همچنان مشکلاتی مثل تکرار حرف‌ها، قطع کردن صحبت دیگران، توهین و ایجاد التهاب وجود دارد.

به نظر شما هدف اصلی برنامه «کارناوال» چیست و چه تأثیری بر فرهنگ طنز و کمدی جامعه دارد؟

به نظرم برنامه «کارناوال» قرار نیست چیزی به فرهنگ جامعه اضافه کند یا کمدی را ارتقا دهد؛ اساساً چنین هدفی وجود نداشته است. هدف اول برنامه تقریباً مشخص است: سرگرمی. هدف دوم نیز جذب مخاطب است تا شاهد یک برنامه جذاب باشند.

این برنامه جذاب می‌تواند هم یک اجرای سطح بالا و هنری باشد و هم یک برنامه ساده، با چند عروسک، کمدی سخیف یا موسیقی رپ. همه این‌ها می‌توانند مخاطب خود را جذب کنند.

به نظر شما «کارناوال» تا چه اندازه نوآورانه است و چه تفاوتی با «خندوانه» در کشف استعدادها دارد؟

قبل‌تر هم گفتیم به نظرم «کارناوال» از نظر تولید و پروداکشن یک کار بزرگ و نوآورانه است. هدایت چنین پروژه‌ای، جذب مخاطب و به‌کارگیری این همه افراد در یک سیرک بزرگ و در یک محوطه وسیع، بدون شک انرژی و تلاش زیادی می‌طلبد. خندوانه مخاطبان و بازیگران زیادی تربیت کرد و رامبد جوان بسیاری از آن‌ها را به جامعه معرفی نمود؛ برخی اکنون برنامه‌های مستقل خود را دارند، مانند امیرحسین قیاسی که سه برنامه همزمان اجرا می‌کند.

با این حال، یک ایراد وجود دارد: در «خندوانه» استعدادهای جوان کشف می‌شدند، اما در «کارناوال» این اتفاق کمتر رخ می‌دهد. این برنامه عمدتاً از چهره‌های شناخته شده استفاده می‌کند و اجراهای آن‌ها را به مخاطب معرفی می‌کند. در واقع، هدف اصلی جذب مخاطب است و نه استعدادیابی؛ به همین دلیل تلنت‌هایی که در برنامه‌های مشابه خارجی دیده می‌شوند، در اینجا کمتر دیده می‌شوند.

به نظر شما چگونه می‌توان در «کارناوال» جذابیت و کیفیت هنری را هم‌زمان حفظ کرد و تماشاگران را برای تشخیص بهتر اجراها هدایت نمود؟

در مورد نقاط ضعف «کارناوال» هم پیش‌تر اشاره شد. مشکل اصلی این است که بخش‌های سیرک و مسابقه پراکنده‌اند و کیفیت اجراها به دلیل تمرکز روی جذب مخاطب گاهی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به نظرم رامبد جوان، با خلاقیت خودش، می‌تواند تکیه بر تجربه «خندوانه» را کنار بگذارد و نوآوری‌های جدیدی ارائه دهد؛ جذابیت برنامه را از مسیرهای متنوع اضافه کند و هم‌زمان کیفیت اجراها را حفظ نماید.

یعنی اجراها می‌توانند وجه هنری غالب داشته باشند؛ بدون اینکه مجبور باشیم آثار موسیقی‌دانان حرفه‌ای را با قطعات شش و هشت یا اجراهای ساده و سخیف جایگزین کنیم که فقط برای جذب مخاطب اجرا می‌شوند.